



شاید در هیچ یک از دوره‌های تاریخ بشری، به تعارضاتی اینچنین عمیق بر بستری اینچنین جذاب برنخورده‌ایم: از یک سو صف اختراعات و اکتشافات علمی و صنعتی برای ثبت در تاریخ پایانی ندارد؛ روزی نیست که از اختراع ابزاری تازه‌ای و یا کشف ماده‌ای جدید و یا ابداع شیوه‌ای نو برای راحتی زندگی و یا سلامتی انسان خبری به گوشمان نخورد. روزی به شب نمی‌رسد که دارویی تازه برای مقابله با بیماری‌ای کهنه ساخته نشود. هوش مصنوعی و یادگیری عمیق یکی پس از دیگری عرصه‌ها را در می‌نوردند و اثر عمیق خود را در هر کنار و گوشه زندگی ما بر جا می‌گذارند. گول‌های ارتباطات هر نقطه‌ای از زمین را به هر نقطه دیگری می‌دوزند و اینترنت اشیا هر چیز را به هر چیز پیوند می‌دهد؛ خودران‌ها راننده‌ها را از پشت فرمان‌ها پیاده می‌کنند و به انتهای صف طولانی بیکاران می‌رانند و در عین حال اتومبیل‌ها، از کف خیابان‌ها به هوا می‌روند...

از یک سو، دیواری که ظاهراً به دلیل بالا رفتن سطح شعور بشر از قلب اروپا برچیده شده بود، حالا قصد دارد مکزیک را از کشوری جدا کند که پیش از تصور می‌شد در هر معاهده‌ای دست بالا را دارد و بیش از همه می‌برد. کشوری که رئیس‌جمهورش می‌گوید که آمریکا جور تمام جهان را می‌کشد و سرش در معاملات منطقه‌ای و جهانی بی‌کلاه مانده است! برگزیت انگلستان را از اتحادیه‌ای جدا می‌کند که روزی گمان می‌رفت یکی از بهترین نمونه‌های پیوستگی و همبستگی میان کشورها و ملت‌هاست؛ اتحادیه‌ای که اگر محکم به کلاهش نچسبید، باید منتظر فرگزیت (خروج فرانسه) و احتمالاً ساز جداسری تعداد دیگری از اعضایش باشد.

مطلب پیشنهادی



سرمقاله ماهنامه شبکه ۱۹۰
فرصتی برای شکفتن

در حالی که علی‌بابا بزرگ‌ترین فروشگاه اینترنتی چین در یک روز با انجام بیش از یک میلیارد تراکنش مالی، فروشی نزدیک به 18 میلیارد دلار را به ثبت می‌رساند، بسیاری از کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین در یک سال نمی‌توانند رقمی چنین بزرگ را در کارنامه تجاری خود نشان دهند.

جنگ سرد بین دو بلوک قدرت سابق، اگرچه مدتی به ظاهر به فراموشی سپرده شد، اما امروز بار دیگر به شکل‌های دیگری و در ابعادی کوچک‌تری در گوشه کنار جهان پدیدار شده است. ترس از یک جنگ ویرانگر هسته‌ای بین قدرت‌های سابق دنیا، جای خود را به جنگ‌های بزرگ و کوچک در گوشه کنار دنیا داده است. حتی الگوهای سابق عملیات تروریستی که توسط یک سازمان در یک نقطه جهان انجام می‌شد، جای خود را به سازمانی‌های تروریستی که همزمان در کشورهای مختلف دنیا عملیات انجام می‌دهند داده است. سازمان‌هایی که در آن واحد با چندین کشور و اتحادیه نظامی در حال نبرد هستند.

در حالی که تلاش‌های فروانی برای حمایت از محیط زیست طی دهه‌های گذشته انجام شده است، اما به نظر می‌رسد تعدادی از کشورها و به ویژه آن‌ها که بیش از همه آلوده‌اش می‌کنند، چندان تمایلی به حفظ آن ندارند و یا اساساً آن را در خطر نمی‌بینند. از این روست که می‌بینیم که رئیس‌جمهور جدید آمریکا در یکی از اولین فرمان‌هایش بسیاری از ممنوعیت‌ها بر کارخانه‌هایی که محیط زیست را آلوده می‌کنند را لغو کرد و به این ترتیب راه برای آناتانی که از ابتدا نیز چندان در بند حفظ این سیاره آبی نبودند بیشتر باز شد.

موسساتی مانند فیفا که روزگاری نماد و پاسدار سلامتی و درستکاری ورزشی بودند، نفس‌شان از فساد و باندبازی به شماره افتاده است. دوپینگ که روزگاری تخلصی فردی به حساب می‌آمد، اکنون گاه توسط دولت‌هایی با روش‌های پیچیده و سازمان‌یافته انجام می‌شود. سبک زندگی بسیاری از مردم در کشورهای مختلف، تفاوت‌های بنیادینی با سبک نسل‌های پیشین پیدا کرده است. تعلقات بسیاری از مردم گویی بیشتر دور مواردی مانند غذا و تفریح و سفر می‌چرخد. تب داغ شدن در شبکه‌های اجتماعی بسیاری را به خود مبتلا کرده است.

الگوهای کاری شناخته شده در حال تغییرند. پیش از این باید ابتدا شغلی در شرکتی پیدا می‌کردی و از طریق آن پله‌های ترقی را طی می‌کردی و یا با ثبت شرکتی و طی مراحل مختلف به موفقیتی می‌رسیدی یا نه. اما امروز کافی است برنامه کوچکی برای موبایل بنویسی و آن را در فروشگاه‌های اپ بگذاری و منتظر دانلود آن شوی. این نمونه کوچک رویکرد جدید دنیای مشاغل فناوری را نشان می‌دهد.

در حالی که روز به روز بر تعداد پاساژها و مجتمع‌های تجاری افزوده می‌شود، در حالی که فروشگاه‌های چندطبقه حتی در شهرهای کوچک سر برمی‌آورند - نگاهی به بعضی شهرهای کوچک در شمال ایران بیندازید- و در حالی که قیمت هر مترمربع آن‌ها به ده‌ها میلیون تومان می‌رسد، فروشگاه‌های کوچک و بزرگ مجازی هر روز نقش مهم‌تری در اقتصاد کشورها بر عهده می‌گیرند. علاوه بر فروشگاه‌های بزرگ مجازی که هیچ محدودیتی را در نوع اجناسی که می‌فروشند، بر نمی‌تابند، وسایل و ابزارهای دست دوم و دست‌چندم که قبلاً جایی به جز چند مغازه در نقاط فقیرنشین شهرها نداشتند، حالا صاحب فروشگاه‌های مجازی بسیار کارآمدی شده‌اند. دوستی می‌گفت که گاوصندوق کهنه‌ای داشته که می‌خواست از دستش خلاص شود. اول تصمیم داشت آن را کنار خیابان بگذارد تا به عنوان زباله جمع‌آوری شود. اما به توصیه دوستی آن را در یکی از سایت‌های مزایده دست‌دوم به فروش گذاشت. اولین خریدار، بابت آن پانصد و پنجاه هزار تومان پیشنهاد کرد و فروشنده هم سرآسیمه و خوشحال قبول کرد به ویژه آن که قرار بود خریدار خود برای بردن آن بیاید و نیمی از پول را نیز بلافاصله پرداخت کرد. اما در آخر شب، دوست ما اندکی مغموم شده بود چرا که برای گاوصندوق دست و پاگیرش تا یک میلیون و یکصد هزار تومان پیشنهاد رسیده بود!

خانه دیگر آخرین پناه ما برای آرامش و تمدید قوا نیست. برای بسیاری خانه، اولین - و گاه آخرین - پایگاه تجاری است. محل تولید بسیاری از آثار علمی، فرهنگی و هنری و حتی انجام امور اداری و تجاری است. انواع امکانات ارتباطی مانند موبایل، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها خانه را برای تعداد نسبتاً زیادی از مردم به محلی برای کار نیز تبدیل کرده است.

موسساتی مانند فیفا که روزگاری نماد و پاسدار سلامتی و درستکاری ورزشی بودند، نفس‌شان از فساد و باندبازی به شماره افتاده است. دوپینگ که روزگاری تخلصی فردی به حساب می‌آمد، اکنون گاه توسط دولت‌هایی با روش‌های پیچیده و سازمان‌یافته انجام می‌شود. سبک زندگی بسیاری از مردم در کشورهای مختلف، تفاوت‌های بنیادینی با سبک نسل‌های پیشین پیدا کرده است. تعلقات بسیاری از مردم گویی بیشتر دور مواردی مانند غذا و تفریح و سفر می‌چرخد. تب داغ شدن در شبکه‌های اجتماعی بسیاری را به خود مبتلا کرده است.

به نظر می‌رسد که در ده‌های آغازین قرن بیست و یکم، الگوهای قدیمی اقتصاد، کار، تعلیم و تربیت، خانواده، محیط زیست و ... تا حدود زیادی تغییر کرده است. دیگر شیوه‌های قدیمی‌تر جوابگو نیستند و این در حالی است که خود این الگوهای قدیمی شده، در بسیاری از کشورهای جهان هنوز تازه و حتی آرزو تلقی می‌شوند. به عبارتی، الگوهای دنیای صنعتی، در حالی که در بسیار از کشورها هنوز به درستی پیاده‌سازی نشده‌اند، ناکارآمدی خود را برای مواجه شدن با معضلات تازه دنیای نو نشان داده‌اند.

چرا...

اما چرا، این همه نابسامانی و تعارض؟ چرا در حالی که بشر در آستانه یافتن راه علاج بسیاری از بیماری‌ها قرار دارد باید این همه جنگ و ترور و آدم‌کشی در سطح بین‌المللی انسان‌ها را آزار دهد؟ در حالی که ابزارهای ارتباطی باعث آسان‌تر شدن باورنکردنی ارتباطات شده‌اند، چرا یافتن کاری خلاقانه و شرافتمندانه در اغلب جوامع دنیا بسیار دشوار شده است؟ چرا در حالی که همه اختراعات و اکتشافات بشر در خدمت راحتی او هستند، انسان امروز ناراحت است؟ چرا تجارت آسان‌تر و سریع‌تر و درآمد بیشتر باعث نشده است که آدم‌ها احساس رضایت بیشتری از زندگی داشته باشند؟

فهرست این پرسش‌ها را می‌توان همچنان ادامه داد. اما آیا پاسخ قاطع و قانع‌کننده‌ای هم می‌توان برای این پرسش‌ها پیدا کرد؟ به گمان من نه؛ اما می‌توان با بررسی آنچه که طی پنجاه سال اخیر در اغلب جوامع انسانی رخ داده است، به الگوهایی برای تفکر رسید.

بدون تردید یکی از کسانی که به موقع این تغییرات اجتماعی و اقتصادی را دید و نسبت به آن واکنش نشان داد، آلبین تافلر بود. او در کتاب‌هایش مانند «شوک آینده»، «موج سوم» و «جابجایی در قدرت» بسیاری از این تغییرات را پیش‌بینی کرده بود. از قضا کتاب‌های تافلر همان‌طور که در سطح جهان مورد توجه بسیار قرار گرفت، در ایران نیز ترجمه و به ویژه موج سوم بسیار مورد اقبال جامعه کتاب‌خوان قرار گرفت. هرچند اقبال به او، دولت مستعجل بود و به زودی، پس از گذشتن موج اولیه علاقه به اندیشه‌های تافلر، گوشه‌نشین خوش‌منظر کتاب‌خانه‌ها شد تا موضوعی برای تفکر و انتقاد. تافلر در یک سطح وسیع جامعه انسانی را به سه دوره یا موج تقسیم می‌کند. دوره کشاورزی که انسان غذای خود را با تکیه بر نیروی بازوی خود از زمین به دست می‌آورد. روابط در سطحی ابتدایی و سطح رشد بسیار محدود است. پیشرفت‌های علمی در اروپای بعد از قرون وسطی، راه را برای دوره یا موج صنعتی باز می‌کند و بشر وارد دوره‌ای از تولید انبوه متکی بر ماشین و ابزارهای پیشرفته می‌شود. کارخانه، شرکت سهامی، سازمان‌های بین‌المللی، رسانه‌های فراگیر، دانشگاه و مدرسه به شکل مدرن آن و بسیاری از نهادهای امروزی محصول دوره دوم یا موج صنعتی است.

تافلر در کتاب «موج سوم» به این نتیجه می‌رسد که در قرن بیست و یکم، ما شاهد ظهور موج چهارم هستیم. این موج چهارم، موجی است که در آن، انسان با استفاده از فناوری‌های نوین، قادر خواهد بود تا به سطحی بالاتر از سطح صنعتی برسد. تافلر معتقد است که این موج چهارم، موجی است که در آن، انسان با استفاده از فناوری‌های نوین، قادر خواهد بود تا به سطحی بالاتر از سطح صنعتی برسد.

به اعتقاد تافلر با شروع استفاده از کامپیوتر در سطح وسیع و ناکارآمدی ابزارهای پردازش پیشین اطلاعات، به تدریج وارد مرحله یا موج سوم یا دوره فراصنعتی می‌شویم. در این دوره بسیاری از نهادهای دوره صنعتی دچار بحران می‌شوند و کارایی خود را از دست می‌دهند. تافلر این دگرگونی‌ها را نه فاجعه‌بار بلکه آغاز تمدنی جدید می‌داند که روش‌های مالوف تفکر، تعلیم و تربیت، ارزش‌ها و شیوه‌های زندگی ما را دگرگون می‌کند. وی معتقد است که این تمدن توانایی آن را دارد که از دل این طوفان‌ها و بی‌نظمی‌ها، نظم جدید را برقرار کند و به شکوفایی انسان‌ها منجر شود. ناتوانی سیاستمداران و قدرت‌مندان عصر صنعتی در درک تحولات دوره فراصنعتی عامل اصلی تعارضات و کش‌مکش‌هایی است که در این گفتار به آن‌ها اشاره کردم. بدون شک نگاه تافلر ارزش نوعی بازخوانی را اکنون دارد. تلاش خواهیم کرد در شماره‌های آینده ضمن انجام این کار، نگاهی تازه به دگرگونی‌های عظیمی که در حال پیدایش در جامعه انسانی است بیندازیم.

تاریخ انتشار:

نشانی منبع:

<https://www.shabakeh-mag.com/opinion/7937/%D9%85%D9%88%D8%AC-%D9%81%D8%B1%D8%A7%D8%B5%D9%86%D8%B9%D8%AA%DB%8C-%DA%86%D9%87-%DA%A9%D8%B3%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D8%B1%D8%A7-%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%87%D8%AF-%D8%A8%D8%B1%D8%AF>